

سبزه میدان و مجمع دارالصنایع

اگرچه نام طهران بعنوان یکی از قری و آبادیهای حومه شهر بزرگ ری از حدود اوایل قرن چهارم هجری در کتب قدیمه دیده می شود لیکن شروع اعتبار آن که کم کم بشهر و مقر شاهان شدن آن کشیده از عهد شاه طهماسب اول صفویه بوده و از موقعی که آقا محمدخان قاجار در اوایل قرن سیزدهم هجری آنرا مرکز اقامت خود قرار داده عنوان پایتخت ایران را پیدا کرده است .

با وجود اینکه فتحعلیشاه و محمد شاه و رجال درباری ایشان در آبادی طهران و بنای قصور و عمارات و مساجد و بازارهای چند کوشیدند و روز بروز ترقی و شکوه آنرا بیشتر کردند باز مهمترین قدم در این راه در عهد سلطنت چهل و نه ساله ناصرالدین شاه برداشته شده و طهران قدیم از مساجد و مدارس و بازارها و خیابانها و میدانها و ابنیه سلطنتی و باغها تا قبل از دوره پهلوی آنچه داشته بیشتر از بناهای عهد ناصری بوده است .

دو دوره پهلوی چنانکه همه میدانیم طهران هم از چهار طرف وسعت پیدا کرده و هم بعلت خراب کردن بسیاری از محلات و انشاء خیابانهای وسیع در میان آن محلات صورت این شهر قدیمی و تاریخی بکلی بشکل دیگری در آمده و هنوز هم تغییر صورت مزبور بسرعت عجیبی پیش میرود .

بدبختانه ما هنوز هیچ نوشته معلومی در باب تاریخ طهران در دست نداریم و تا امروز هیچ کس همت نکرده است که در باب پایتخت دولت شاهنشاهی ایران کتاب یا رساله ای تألیف کند تا معاصرین و آیندگان بدانند که بر این شهر بزرگ لا اقل از همان اوانی که پایتخت ایران شده تا امروز چه گذشته است ؟ ابنیه مهم چه بوده یا چه

هست؟ بانیان آنها چه مردمی بوده و درجه تاریخی آنها را بنا کرده اند؟ مجلات و کوچه‌های قدیمی و مدارس و مساجد آن بچه‌کسانی یا بچه‌حوادنی منسوب است و در طی این مدت يك قرن و نیم که از بابتخت شدن طهران میگذرد آبادی و خرابی آن بچه‌حالت در آمده و چه تغییراتی از این حیث در آن راه یافته است؟

تصور میکنم کمتر کسی بداند که مثلاً: گود زنبورکخانه و چال سیلابی و بازارچه زعفران باجی و گود اختر کور و گود لوطی صالح و بازارچه حاج سید ابراهیم و چهار سوق شیرازبها و کوچه غریبان و کوچه هفت تن و بازارچه مهدی موش و سرپولک و هزارها مثل این اسامی که هنوز هم معمولست بچه علل باین عناوین خوانده شده یا اشخاصی که این مواضع را بایشان منسوب داشته‌اند چه کسانی بوده‌اند؟

بگمان ما هنوز هم وقت برای تحقیق این مجهولات دیر نشده است و اگر ارباب ذوق و همتی باشند بخوبی میتوانند بوسیله تحقیق از پیر مردان و فرزندان بعضی از داروغه‌ها و «باطوق داران» عهد ناصری و مظفری بسیاری از این مبهمات را روشن کنند و باین وسیله نگذارند که تاریخ طهران از این لحاظ همچنان مجهول و تاریک بماند چه اگر این کار در عصر ما نشود البته چندی بعد دیگر بهیچوجه میسر نخواهد شد.

اینک نگارنده این سطور که همیشه شوق این بحث را داشته و در این خصوص اطلاعات متفرقی گرد آورده و بعلت گرفتارهای گوناگون تا کنون بجمع و تدوین آنها توفیق نیافته است ذیلاً يك قسمت از آن یاد داشت‌ها را بجهت اطلاع خوانندگان محترم در مجله یادگار درج میکند و از ایشان تقاضا مینماید که اگر در این زمینه معلوماتی دارند آنها را برای ما بفرستند تا در اوراق یادگار درج کنیم، شاید باین وسیله بتدریج اسباب تدوین تاریخ طهران فراهم آید.

بحث ما در اینجا مربوط است بدو موضوع یکی سبزه میدان دیگر مجمع دازالمضایع که در جوار آن میدان و در قسمت جنوب غربی آن قرار داشته.

بشرحی که از بعضی از کتب عهد ناصری مخصوصاً کتاب المآثر والآثار که در ۱۳۰۶ قمری بچاپ رسیده و روضه الصفاى ناصری که در ۱۲۷۴ چاپ آن اتمام پذیرفته برمی آید سبزه میدان حالیه پیش از آنکه بصورت قبل از عهد پهلوی در آید چنانکه ترکیب

لغوی آن میفهماند و در غالب شهرهای کیلان و مازندران و غیره نظایر آن وجود داشته در ابتدا میدانی بوده است که در آن اقسام سبزی و تره بار میکاشته و در همان محل نیز بخرد و فروش آنها می پرداخته اند.

در کتاب المآثر و الآثار در این خصوص چنین نوشته شده :

«مکشوف باد که این میدان را بآن جهت سبزه میدان گفته اند که در زمان سلطنت زندیه آن گاه قاجاریه برای تدارک ترجات و سبزی آلات اهالی دارالخلافه در فصل بهار این محوطه را که باحوالی و حواشی بمنزله دشتی بود عریض انواع سبزیها میکاشتند و از عهد دولت شاه مرحوم محمد شاه غازی تا همین سال مزبور [یعنی ۱۲۶۹ سال ششم از سلطنت ناصرالدین شاه] قاپوق که مقصرین را پئی آن سیاست می کردند در وسط این میدان بود و کسبه بسیار پست از قبیل جگرک بز و گاه فروش و نعل بند و امثالهم سایه بانهای کرباس میدانی در آنجا افراشته امتعه نالایق خود را می فروختند بعلاوه مرغ فروشها و بره دارها نیز در این موقع بکسب می پرداختند.

«الغرض این مکان که فعلاً متنزهی است نمایان محلی بسیار کثیف و مجتمع هرگونه فضول و قاذورات بود در تاریخ مزبور بدست پدرم ساخته و از هر یلیدی پرداخته شد بحدی که امروز تزهتگاه مردم است و چند سال اینجا در ایام رمضان بساط اندازی میشد و امتعه متنوعه ایران و فرنگ مشابه کسپوزسیون در نهایت آراستگی عرضه میشد، افسوس که این وضع بهم خورد ۲۰».

نام قدیم دیگر سبزه میدان «تخته پل» بوده که ظاهراً بمعنی پل تخته ایست اما درست معلوم نیست که چرا بآن این نام را داده بوده اند. با احتمال قوی این نقطه محل پلی بوده است بر روی یکی از رودخانه های مغرب طهران (مثل رودخانه ونک یا کن) که از اراضی نزدیک بطهران قدیم که حالیه داخل شهر شده عبور

۱- پسر حاجی علیخان مقدم مراغه ای ملقب بعاجب الدوله که چندی مشرف امور بناخانه سلطنتی بود و او پدر معتمد حسنخان صنبح الدوله و اعتمادلسلطنه است که کتاب المآثر و الآثار را تألیف خود میسر کرده. ۲- المآثر و الآثار شماره ۶۳ ستون دوم.

میکرده و بعد از وسعت پیدا کردن شهر و خراب کردن خندق اول آن (در سال ۱۲۸۴) که حد شمالی آن خیابان برق کنونی وحد غربی آن ضلع شرقی خیابان ناصریه معروف بکنار خندق بوده مجاری آنها را دورتر یعنی بیشتر بطرف مغرب برده اند. رودخانه کن تا قبل از آنکه خندق دوم شهر طهران احداث شود از محل مریضخانه دولتی (مریضخانه سینای کنونی) میگذشت و هیچ بعید نیست که همین رودخانه بوده است که از طریق سبزه میدان حالیه بطرف جنوب شرقی میرفته است.

مرحوم هدایت در آخر روضه الصفای ناصری در باب بنای سبزه میزان چنین

مینویسد :

« دیگر از بناهای عهد ناصری عمارات میدان در تخته پل مشهور بسبزمیدان است که در سالهای بسیار محل ذبح گاو و گوسفند و بخت و خار و جیفه مردار مقدر بود و گناهکاران و اجب القتل را در آن محل بر دار میزدند و مقتول میکردند و فی الواقع بس ناشایسته و ناپسند بود که مبتدای دربار ارگ خاص شاهنشاهی مطرح و ملعب الواط و مذبج حیوانات باشد. حضرت شاهنشاهی مقرر فرمودند که دار را بخارج شهر برپای دارند و این مکان لایق را سرائی دولتی و تاجر نشین سازند و در اطراف آن حجرات فوقانی و تحتانی پردازند و دکاکین آنرا بلور فروشان بیلورینه آلات رنگین نمایند و حوضه آب صاف در سبزمیدان چون ناف خوبان بیاریند و چنین کردند و اکنون محلی پاك و جائی با صفاست و در تخته پل را شکوهی فزوده گوئی آئینه خانه زلیخای مصری است که در هر دکه از بام تا شام عکس بوسف رویان ایام هویدا ست ».

بنای میدان تخته پل یا سبزه میدان چنانکه پیشتر نقل کردیم در سال ۱۲۶۹ یعنی قریب يك سال بعد از عزل و قتل میرزا تقیخان امیر کبیر انجام یافته ولی ظاهر اینست که شروع باین کار مثل شروع بنای مدرسه دارالفنون و بسی انبیه دیگر در عهد صدارت او شده منتهی عمر وی باتمام آنها وفا نکرده است.

در همین روضه الصفای ناصری مرحوم هدایت یکی دیگر از انبیه جدید عهد

ناصرالدین شاه را که بمباشرت حاجی علیخان حاجب الدوله اتمام پذیرفته خیابان «تخته پل جدید» می‌شمارد و غرض از این خیابان همان خیابان شرقی غربی است بین گلوبندگ و انتهای خیابان ناصریه که سابقاً بمناسبت نزدیکی بذخیره اسلحه دولتی آنرا «خیابان جبه خانه» می نامیدند و امروز جزء خیابان بوزرجمهری شده است .

میدان تخته پل یا سبزه میدان در تاریخ بایه ایران ذکرى بخصوص پیدا کرده زیرا که قبل از انتقال قاپوق یعنی دار اعدام از آنجا بمحل پا قاپوق (میدان اعدام حالیه) بامر میرزا تقيخان امیر کبیر در سال دوم از صدارت او هفت تن از بایه را که بتوطئه برضد وی و ناصرالدین شاه متهم بودند و بایه بعدها ایشان را «شهداء سبزه» خوانده اند در آن محل بدار آویختند .

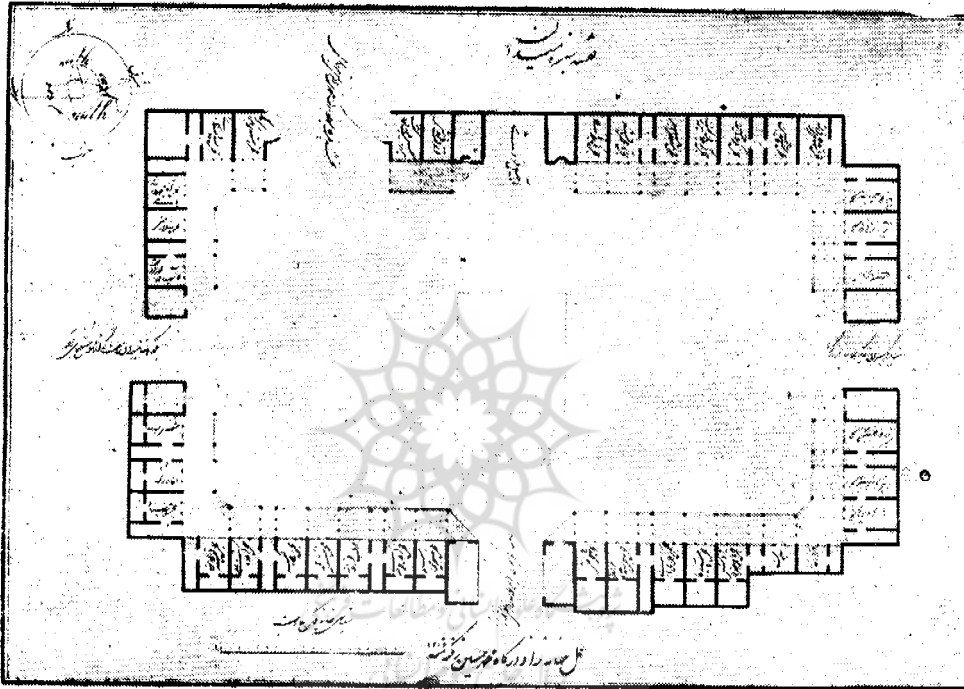
از محل سبزه میدان پس از تبدیل آن از میدان سبزی کاری و سبزی فروشی و محل قاپوق بسرای تجارتي و دولتی در سال ۱۲۶۹ یعنی محلی که تا حدود بیست سال قبل نیز تقریباً بهمان حال باقی بود نقشه ای خطی در دست است که آنرا مرحوم محمد حسینخان زنگنه در سال ۱۲۷۷ هجری قمری (هشت سال پس از بنای آن) با دقت و سلیقه مخصوص رسم کرده و ما تصویر کوچک شده آنرا در ضمن این مقاله نقل مینمائیم .

مرحوم محمد حسینخان زنگنه چنانکه بظاهر مینماید از طبقه اول تربیت شدگان مدرسه دارالفنون است و از او غیر از این نقشه مسوده نقشه دیگری در دست است که قسمتی از راه طهران بمشهد را تا آخر خاک خوار در روی آن نموده و غیر از این هنر نقاش و خوشنویس نیز بوده و از زبان انگلیسی و معلومات دیگر هم بهره ای داشته است .

این نقشه ها را دوست فاضل ارجمند ما آقای برتو بیضائی در اختیار ما گذاشته اند و اصل آنها متعلق است . با آقای فتح الله بهزادی عضو بهداری اداره کل شهربانی همسر خدیجه خانم نواده دختری مرحوم محمد حسینخان زنگنه و اطلاعاتی که ذیلاً در باب مرحوم زنگنه درج میشود بتوسط آقای بیضائی از آقای بهزادی

تحصیل شده. مجله یادگار از این عنایت مخصوص آقای بیضائی و آقای بهزادی صمیمانه تشکر میکند.

محمد حسینیخان زنکنه فرزند محمد حسینیخان زنکنه است که از خوانین



محترم عصر ناصری است و جدش محمد بیك زنکنه کرمانشاهی از احفاد شیخعلی خان وزیر معروف شاه سلیمان صفوی بوده.

مادرش شیرین خانم صیبه مرحوم یونس خان جارچی باشی قاجاریه است (بانی مسجد یونس خان که هنوز در قسمت باقیمانده محله منگلج بریاست) و قبالة مزاجت مشارالیه با محمد حسینیخان پدر مرحوم محمد حسینیخان زنکنه بتاریخ ۲۴ ذی الحجة ۱۲۵۰ هجری نوشته شده.

محمد حسینیخان زنکنه در ایام ولایت عهد مظفرالدین شاه در بلیجان د

دستگاه او مشغول خدمت بوده و در سال ۱۲۸۲ سمت ایشیک آقاسی باشی یافته و در فرمانی که بتاريخ ربیع الأول سال ۱۲۹۴ بنام وی صادر شده چند قطعه از قرای اهر و دگلگه قراجه داغ از طرف ولیعهد در مقابل ۲۰۰ تومان حقوق باو بعنوان تیول واگذار گردیده است .

عیال مرحوم محمد حسینخان زنکنه گوهر خانم دختر حاج محمد صادق جدیدالاسلام است که ازدواج ایشان در ربیع الثانی ۱۲۷۸ صورت گرفته بوده .

سال وفات او علی القاعده باید در حدود ۱۳۱۰ هجری باشد چه در تاریخ ربیع الأول همین سال فرمانی از ناصرالدین شاه صادر شده و در آن مسطور است که چون محمد حسینخان در این اوان وفات یافته و رعایت بازماندگانش بر ما لازم است دو بیست تومان حقوق او را باولاد او واگذار نمودیم و مقرر شده است که این مبلغ از عواید آذربایجان بایشان تأدیه شود .

از مرحوم محمد حسینخان زنکنه سه فرزند باقی بوده است یکی میرزا حسنخان زنکنه از اعضای وزارت امور خارجه که در تاریخ ۲۰/۳/۲۶ وفات یافته دوم محمد قاسم خان سوّم دختری که مادر خدیجه خانم همسر آقای فتح الله بهزادی است .

بنا بتقریر آقای بهزادی از مرحوم محمد حسینخان زنکنه يك قطعه تصویر آب رنگ که صورت زنی است با لباس آن عصر باقی و در تصرف معظم اه است و اگر چه امضا ندارد ایشان آنرا حتماً از کارهای مرحوم محمد حسینخان میدانند . دیگر از نقاشیهای او تخم مرغی است که روی آنرا ابتدا برنگ قرمز پوشانده بوده سپس با آلتی قسمتهایی از رنگهارا برداشته و نقشهایی از گل و بوته و مرغ و خروس در روی آن از میان قسمت قرمز بیرون آورده است .

غیر از این آثار جزواتی هم از او در علم جغرافیا باقیست ولی بدبختانه آن جزوه ها ناقص مانده .



از جمله مؤسساتی که امیر کبیر طرح انشاء آنرا ریخته بوده ولی مثل بسیاری

دیگر از اقدامات خیر او پس از قتلش مفتوح شده و بشماره رسید مدرسه یا مؤسسه مجمع صنایع است برای تربیت و تشویق اهل هنر و ترویج صنایع داخلی در سرای بزرگی که هنوز هم بهمین اسم موسوم و محل آن در انتهای بازار توتون فروشها در جنوب غربی محل سبزه میدان قرار دارد.



از راست بچپ ۱ - محمد حبیبخان، راجعه ۲ - پدرش محمد حسنخان

در کتاب المآثر والآثار (ص ۶۳ ستون اول) در باب تأسیسات عصر ناصری راجع بمجمع صنایع چنین آمده :

« مجمع صنایع مشتمل است بر صنایع دستی از قبیل آپولیت سازی

وزردوزی برای ملبوس نظام و بریدن و دوختن البسه قشون و مليله سازى عمل چين كه زركشى و زردوزى مخصوص ممتازى است و نقاشىهاى بسيار اعلى و تفنگ سازى و قداره گرى وغير ذلك از اعمال و صنايع و پيشه هاى متعلقه بتربيت لشكر و سوق عسكر در بازار صندوق دار واقعه در دارالخلافة طهران سنه ۱۲۶۹ سال ششم از جلوس همایون» .

در كتاب منتظم ناصرى (ج ۳ ص ۲۲۴) در ذيل وقايع سال ۱۲۶۹ چنين آمده :

« اين اوقات يك روز جناب صدراعظم ۱ و جناب نظام الملك ۲ و آجودانباشى ۳ و جمعى از امرآ و صاحبمنصبان بزرگ نظام بمجمع الصنايع كه حسب الامر، حسينعلیخان معيرالممالك ۴ دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملكت را در آن جا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشويق زياد نموده و خواجه احمد ساعت ساز يزدى را كه از مشاهير صاحب صنعتان ايران است يك صد تومان اضافه مواجب دادند» .

در يك مجموعه خطى صورتى بنظر رسيد كه در پنجشنبه چهاردهم محرم ۱۲۶۹ تنظيم شده حاوى حجرات مجمع الصنايع و عدد استادان و شاگردان و اسامى و مشاغل هر يك از ارباب حجرات و چون نقل آن را بي فايده نميدانيم آنرا نيز در ذيل اين مقاله بچاپ ميرسانيم و آن اينست :

بسم الله تعالى شأنه العزيز

بتاريخ پنجشنبه چهاردهم شهر محرم الحرام ۱۲۶۹، كاركنان مدرسه مجمع الصنايع

بدين قرار هيىباشند: استاد ۴۵، شاگرد ۱۴۴

۱- يمنى ميرزا آقاخان اعتمادالدوله نورى ۲ - ميرزا كاظم خان نظام الملك پسر ميرزا آقاخان ۳ - يمنى عزيزخات سردار كل مكرى ۴ - حسينعلیخان معير الممالك كه بسال ۱۲۷۴ وفات يافته پدر دوستعلیخان نظام الدوله معير الممالك ثانى است كه همسه الدوله دختر ناصر الدين شاه راجد ازدواج خود داشته

١ - کارکنان مدرسه مجمع الصنایع : استاد ٣٤ شاگرد ٩٥،

حجره استاد علمی ، هفت استاد و ٢٢ شاگرد مشغول تعمیر طپانچه های زین خانه مبارکه و قمه پیشخدمتان و قداره و تفنگ کالسکه چیان و دلق شاطران حضرت اقدس همایون شهر یاری روحنا فداه و آتش کاری و آبگیری و چخماق و قنداق سازی میباشند استاد ٧ ، شاگرد ٢٢

حجره خواجه احمد ، خود خواجه احمد تعمیر ساعت های مجلس سرکار صدر اعظم دام اقباله العالی را مینمایند و آقا محمد مهدی با دو شاگرد مشغول تعمیر ساعت طاوس میباشد ، استاد ٢ ، شاگرد ٢.

حجره استاد محمد قاسم و استاد محمد دو انگر ، با دو شاگرد مشغول کاری نمی باشند و بیکارند و از دیوان اعلی هنوز کار بایشان رجوع نمی است ، استاد ٢ ، شاگرد ٢.

حجره استاد حسینعلی و استاد عباسعلی و استاد حسن ، این سه استاد مینا ساز باسه شاگرد مشغول کار متفرقه می باشند ، استاد ٣ ، شاگرد ٣.

حجره استاد آقا جان و استاد محمد باقر زرکش ، با چهار شاگرد مشغول مفتول سازی قباهای نظام پیشخدمتان قبله عالم روحنا فداه میباشند . استاد ٢ ، شاگرد ٢.

حجره استاد ابراهیم و استاد محمد دو انگر ، با دو شاگرد مشغول کار متفرقه میباشد استاد ١ ، شاگرد ٢،

حجره مراد حاصل مسیحی نقاش زرگر ، با دو شاگرد مشغول ساختن جای نگین مهر وزیر مختار دولت بهیروس میباشد ، استاد ١ ، شاگرد ٢.

حجره آقاسید جواد نقاش زرگر ، با استاد مهدی و استاد محمد دو انگر مشغول ساختن قلاب کمر بند کالسکه چیان قبله عالم و عالمیان روح العالمین فداه می باشند ، استاد ٣ ، شاگرد ٣.

حجره نقاشان ، نقاش باشی و ٣٤ نفر نقاش مشغول مجلس سازی کتاب الفایله

می باشند و ذوالفقار بیک مشغول بروغن کاری کالسکه ایست که تازه از مسکو آورده اند ، نقاش باشی ۱ ، سایر ۳۵ ،

حجره میرزا عبدالوهاب و میرزا علیه محمد ، این دو استاد و میرزا علی صحاف با چهار شاگرد مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله می باشند ، استاد ۳ شاگرد ۴ حجره میرزا خدارحم ، مشغول ساختن ساعت بزرگ آویز بجهت محلات دارالخلافه می باشد ، استاد ۱ ، شاگرد ۲.

حجره حاجی میرزا احمد ، با شیخ محمد کاظم مشغول ساختن ساعت بزرگ آویز بجهت محلات دارالخلافه می باشند ، استاد ۲ ، شاگرد ۲.

حجره استاد محمد باقر ، با چهار شاگرد مشغول دوختن قبا و شلوار پیشخدمتان قبله عالم و عالمیان روحی و روح العالمین فداه میباشند. رخوت تمام شده پیشخدمتان : قبا ۵۳۴ ، شلوار ۵۳۴ ، استاد ۱ ، شاگرد ۴

حجره اسدالله ، مشغول ساختن پل بجهت کالسکه مرصع اقدس همایون شهر یاری روح العالمین فداه می باشد ، استاد ۱ ، شاگرد ۳.

استاد جعفر آهنگر ، با ۳ شاگرد و استاد محمد آهنگر بادو شاگرد و استاد جعفر نجار بادو شاگرد ، این سه استاد با هفت شاگرد مشغول ساختن کالسکه عالیجاه آقا میرزا فتح الله لشکر نویس باشی میباشند ، استاد ۳ ، شاگرد ۷.

۲ - کارکنان خارج از مجمع الصنایع : استاد ۲۱ ، شاگرد ۴۹.

آقا محمد قاسم زیندار باشی ، بادو شاگرد مشغول ساختن زین مرصع می باشند ، استاد ۱ ، شاگرد ۲.

مشهدی جبار و مشهدی رضا ، در بازار با چهار شاگرد ساختن تکتو وزین پوش میباشند ، استاد ۲ شاگرد ۴ .

ملا علی اکبر و کر بلائی عباس ، با چهار شاگرد مشغول ساختن دغا باقی و بند بدک کش ورشمه و غیره می باشند ؛ استاد ۲ ، شاگرد ۴ .

کر بلائی هادی ترکش دوز ، بادو شاگرد مشغول ساختن قبل طباچه های

زین‌خانه مبارکه میباشند، استاد، ۱، شاگرد ۲

آقامحمداسهیل زردوز، باشی شاگرد مشغول دوختن زین‌پوش مروارید

بجهت حضرت اقدس همایون شهریار روحی و روح العالمین فداه می‌باشند، استاد، ۱، شاگرد ۶.

زردوزان قباوشلوار نظام، و پیشخدمتان قبله عالم و عالمیان روحی و روح-

العالمین فداه یک استاد و ۲۵ شاگرد مشغول دوختن می‌باشند، استاد ۱ شاگرد ۲۵.

مشهد علی اکبر، بادوشاگرد مشغول مقواسازی قباهای نظام پیشخدمتان

حضرت اقدس همابون شهریار روحی و روح العالمین فداه میباشند. استاد ۱ شاگرد ۲

آقا محمد علی نقاش زرگر، مشغول منبت کاری سنگ قبر شاهزاده میرورا

مغفور جنت مکان رضوان آستان می‌باشد، استاد، ۱، شاگرد ۱.

حاج محمد علیخان هندی، با سه شاگرد مشغول بافتن زنجیره شلوار نظام بنتیجه

قبله عالم و عالمیان روحنا فداه میباشند و کمر بجهت بند قمه حضرت اقدس همایون

شهریار روحی و روح العالمین فداه میباشند که الی الیوم تمام شده، استاد ۱، شاگرد ۳.

کارکنان مدرسه مجمع الصنایع و خارج از مجمع جملگی مشغول کارند و

آنی غافل نمی‌باشند و همگی بدعای دوام دولت ابد مدت جاوید عدت حضرت اقدس

همایون شهریار اشتغال دارند.

بر نقاشان کتاب الفلیله ۲ بسیار جا تنگ می‌باشد بواسطه آنکه نقاش زیاد

شده و علاوه یک حجره هم بجهت مذهب و صحاف گرفته شده.

۱ - ظاهراً مقصود از این شاهزاده سلطان محمود میرزا اولین ولیعهد ناصرالدین شاه است که در خردسالی بتاريخ ۲۵ جمادی الثانیة ۱۲۶۵ فوت نموده.

۲ - غرض از این کتاب الفلیله نسخه‌ای از ترجمه فارسی آنست که ابتدا آنرا در سال ۱۲۵۹ قمری در تبریز ملا عبداللطیف طسوجی بامر بهمن میرزا از عربی بفارسی ترجمه کرده و بار اول در سال ۱۲۶۱ در آن شهر بچاپ سنگی بطبع رسیده است.

ناصرالدین شاه در اواخر ایام ولیعهدی خود خواست که نسخه ظریفی از این کتاب شیرین داشته باشد بهمین نظر یک نسخه از آن بخط خوش تهیه گردید و یک عده از نقاشان که مشهورترین ایشان مرحوم میرزا ابوالحسن صفاری نقاش باشی عم مرحوم میرزا مصطفی خان کمال‌الملک بود باین کار مشغول شدند ولی اتمام آن چندسال طول کشید و آنچه در متن میگوید راجع بهمین نسخه است که حالیه در کتابخانه سلطنتی گلستان موجود میباشد